

## حق الله در آینه آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین سعید نخعی گلپایگانی\*

### اشاره

عبادت و اطاعت از خداوند، از مهم‌ترین اهداف خلقت انسان است.<sup>۱</sup> کمال انسان، در شناخت خداوند و قرب به او است. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «خداوند، بندگان را نیافرید؛ مگر به این دلیل که او را بشناسند. هنگامی که او را شناختند، عبادتش می‌کنند و هنگامی که بندگی او کردند، از بندگی غیر خدا بی‌نیاز می‌شوند.»<sup>۲</sup> انسان، در سایه شناخت خدا، حقوق او را رعایت می‌نماید و این امر موجب سعادت او در دنیا و آخرت می‌گردد؛ همان‌گونه که عدم رعایت حقوق الهی، عقوبت را در پی دارد. در این نوشتار، به تبیین موضوع «حق الله» در آیات و روایات اسلامی می‌پردازیم.

---

\* پژوهشگر.

۱. ذاریات، آیه ۵۶: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم؛ مگر این‌که مرا عبادت کنند.»

۲. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۳۹۷.

## مفهوم‌شناسی حق‌الله

کلمه «حق» در لغت عرب، به معنای ثابت، سزاوار و آنچه بر گردن کسی دین ایجاد می‌کند، آمده است.<sup>۱</sup> بعضی آن را به معنای ثبوت و تحقق دانسته‌اند.<sup>۲</sup> اما حق از نظر اصطلاح، دارای معانی متعددی می‌باشد که در همه آن‌ها، اصل ریشه لغوی، یعنی ثبوت حفظ شده است. گاهی حق، در مقابل باطل است: «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ»<sup>۳</sup>؛ بگو حق فرا رسیده و باطل نابود شد و گاهی حق در مقابل ضلال می‌باشد: «فَدَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»<sup>۴</sup>؛ این است خداوند، پروردگارِ بر حق شما. اکنون حق را به روشنی شناختید. آیا بعد از حق، چیزی جز گمراهی وجود دارد؟<sup>۵</sup> گاهی هم حق، در مقابل تکلیف است: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»<sup>۶</sup>؛ در اموال‌شان حقی است برای سائل و محروم. این نوع حق، مستوجب تکلیف است؛ یعنی این حقی است در اموال اهل تقوا که برای فقرا و محرومان، ثابت و محقق است و آن‌ها مکلف‌اند این حق را ادا کنند.<sup>۶</sup>

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت: متعلق حق‌الله، همه اوامر و نواهی و الزامات شرعی است؛ مانند: ایمان، اطاعت از خدا و قرآن و رعایت تمام واجبات عبادی و محرمات شرعی. در ضمن، ناگفته نماند که تنها در مورد خداوند است که حق بدون تکلیف، قابل فرض و قبول می‌باشد؛ یعنی او بر بندگان خود حقوقی دارد؛ ولی در مقابل، به کاری که مأمور به انجام آن باشد، مکلف نیست.

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ذیل واژه «حق».

۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، چاپ اول، ج ۳، ص ۲۵۵؛ راغب اصفهانی،

حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات ذی‌القربی، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ش، ذیل واژه «حق».

۳. اسراء، آیه ۸۱.

۴. یونس، آیه ۳۲.

۵. ذاریات، آیه ۱۹.

۶. رک: مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ش،

ج ۱، ص ۲۱.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ حقی برای کسی ثابت نمی‌شود، مگر این‌که در مقابل، وظیفه‌ای بر دوش او گذاشته می‌شود و هیچ وظیفه‌ای بر دوش کسی ثابت نمی‌شود، مگر این‌که در مقابل، حقی برای او ثابت می‌گردد. اگر بنا باشد برای کسی حقی ثابت باشد که در قبال آن وظیفه‌ای نداشته باشد، او تنها خداوند خواهد بود.»<sup>۱</sup>

البته خداوند رحمان، هیچ گاه فیض خود را از بندگان دریغ نمی‌دارد: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ.»<sup>۲</sup>

### اهمیت و گستره حق‌الله

در روایات اسلامی، از جمله در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، حقوقی مطرح شده که مهم‌ترین آن‌ها، حق خداوند بر انسان است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَأَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أَوْجَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي أَصْلُ الْحُقُوقِ وَمِنْهُ تَفَرَّعَ؛ بزرگ‌ترین حقوق خداوند بر تو، حقی است که خداوند برای خود قرار داده؛ آن حقی که اصل و اساس حقوق می‌باشد و سایر حقوق، فرع آن است.»<sup>۴</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ جَلَّ تَنَاؤُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَقُومَ بِهَا الْعِبَادُ وَإِنَّ نِعْمَ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيهَا الْعِبَادُ؛ حقوق خداوند بلندمرتبه بزرگ‌تر از آن است که بندگان آن‌ها را به جای آورند و نعمت‌های خدا بیشتر از آن است که بندگان شماره کنند.» بنابراین، همان گونه که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده، می‌توانیم بگوییم: بدترین ظلم از سوی بنده، آن

۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ سی و دوم،

۱۳۸۴ش، ص ۷۵۲، خطبه ۲۱۶.

۲. انعام، آیه ۵۴.

۳. الحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش، ص ۴۴۴.

۴. ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵. محمدی‌ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دار الحدیث، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۲۴۴؛ طبرسی، حسن بن فضل،

مکارم الأخلاق، منشورات الشریف الرضی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ق، ج ۲، ص ۳۶۵.

است که حقوق خداوند را منع کند.<sup>۱</sup> متأسفانه، امروزه این‌گونه معروف شده که خداوند از حق خود می‌گذرد و همین رویکرد سبب شده است که برخی به راحتی حق‌الله را نادیده بگیرند و مرتکب برخی گناهان، مثل ترک نماز شوند که نتیجه آن، گسترش گناهان در جامعه است؛ غافل از این‌که «حق‌الله» باید بیشتر از حقوق دیگر رعایت شود. البته خداوند از حق خود می‌گذرد؛ اما عفو و گذشت خداوند از حق خود، به شرایطی خاص وابسته می‌باشد؛ یکی از آن شرایط، این است که بدون عذر، حق خدا را ضایع نکنیم.

### اقسام حق‌الله

به یک اعتبار، می‌توان حق‌الله را به محورهای ذیل تقسیم نمود:

۱. حقوقی که جنبه عبادی داشته و با توبه قابل جبران می‌باشد، مانند: حق خدا، حق پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام و حق قرآن.
۲. حقوقی که جنبه عبادی داشته و با توبه و قضا قابل جبران است، مانند: حق نماز.
۳. حقوقی که جنبه عبادی و مالی دارد و در صورت ترک، علاوه بر توبه، باید آن را تدارک نمود، مانند: زکات.
۴. حقوقی که جنبه کیفری داشته و افزون بر اجرای مجازات، به توبه نیز نیاز دارد. این‌گونه قوانین، به دو شکل است؛ گاهی مجازات آن را شارع معین فرموده که «حدود» گفته می‌شود، مانند: حد زنا. گاهی نیز تعیین مجازات آن، در اختیار حاکم شرع است که به آن «تعزیرات» می‌گویند.

### الف- پرستش خداوند

اولین حق، خداپرستی و عبادت است. امام سجاده علیه‌السلام می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرِ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ وَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً؛<sup>۲</sup> حق خداوند این است که او را پرستش کنی و به وی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۸۷: «أَفْبِحُ الظُّلْمَ مَنْعَكَ حُقُوقَ اللَّهِ».

۲. حرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۴۴۸.

شرک نورزی.» اساس تمام برنامه‌های پیامبران، دعوت به توحید و دوری از شرک است: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا؛<sup>۱</sup> خدا را عبادت کنید و به همراه او چیزی را شریک قرار ندهید.» تا زمانی که طاغوت و شرک از جوامع انسانی زایل نگردد، برنامه اصلاحی قابل پیاده نخواهد بود. بنابراین، بنده حق ندارد که اطاعت بی‌قید و شرط غیر خدا را بپذیرد؛ زیرا این کار، مساوی با پرستش غیر خداوند است. علی علیه السلام حق خداوند بر بندگان را اطاعت از او قرار داده و فرموده: «وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ؛<sup>۲</sup> اما خداوند حق خود را بر بندگان، اطاعت از خویش قرار داده است.» رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز خطاب به معاذ فرمود: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا؛<sup>۳</sup> حق خداوند بر بندگان این است که او را پرستند و به وی شرک نورزند.»

## ب- اطاعت از قرآن

از مصادیق «حق‌الله»، حق قرآن است؛ به این معنا که مسلمانان باید نسبت به تعلیم، خواندن، فهم و عمل به آن، توجه خاص نموده و از بی‌توجهی به این کتاب آسمانی بپرهیزند. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛<sup>۴</sup> قرآن، عهدنامه‌ای است میان خدا و مردم. سزاوار است که مسلمان هر روز این عهدنامه را مورد توجه قرار داده و حداقل پنجاه آیه از آن را قرائت نماید.» قرآن، موعظه‌ای است از طرف خداوند و شفای سینه‌ها و مایه هدایت و رحمت بندگان است.<sup>۵</sup>

مراد از شفای دل‌ها، همان زدودن آلودگی‌های باطنی است؛ مانند: بخل، کینه، حسد، شرک و نفاق. بنابراین، عمل به قرآن، انسان را از تمام رذایل اخلاقی پاک می‌سازد. حق

۱. نساء، آیه ۳۶.

۲. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۱۶.

۳. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللثالی، قم: مطبعة سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۱۱.

۴. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۹، ص ۶۰۹.

۵. همان.

قرآن، آن است که به دستورهایش عمل نموده و آموزه‌های آن را همواره مورد توجه قرار دهیم؛ زیرا عمل به آموزه‌های قرآنی، موجب سعادت‌مندی ما در دنیا و آخرت خواهد بود. متأسفانه، برخی حق قرآن را به‌درستی ادا نمی‌کنند و موجب مهجوریت این کتاب الهی می‌شوند. پیامبر ﷺ به پیشگاه خداوند عرضه داشت: «یا رَبِّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا؛<sup>۱</sup> پروردگارا! این قوم من، از قرآن دوری جستند.» قرآنی که رمز حیات و ترقی بشر است، چرا به آن عمل نمی‌کنیم. بر این اساس است که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛<sup>۲</sup> خدا را، خدا را، درباره قرآن. مبدا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند.»

### ج- اطاعت از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام

نبوت و امامت، دو نعمت بزرگ الهی است که خداوند بر بندگانش خود منت نهاده و جهت هدایت و تربیت انسان، اطاعت آنان را حق خود دانسته است؛ چه این‌که ایشان نقش بزرگی در خداپرستی و توحید و نشر فضایل انسانی و ارزش‌های الهی داشته و چنانچه آن بزرگواران نبودند، جاهلیت، اجازه رشد فکری و معنوی به بشریت را نمی‌داد. در واقع، اطاعت از پیامبر ﷺ، اطاعت از خدا است: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛<sup>۳</sup> هر کس از پیامبر پیروی کند، از خدا پیروی کرده است.»

در آیه دیگر، خداوند اطاعت از پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را در کنار اطاعت خود قرار داده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛<sup>۴</sup> اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.» در این‌جا اطاعت از خدا، مقتضای خالقیت و حاکمیت ذات اوست؛ ولی اطاعت از پیامبر ﷺ، به دلیل فرمان پروردگار است. بنابراین، خداوند واجب‌الإطاعه بالذات و پیامبر واجب‌الإطاعه بالغير است؛ اما در این‌که مراد از اولوا الأمر چه کسانی هستند، میان مفسران اسلامی، سخنان بسیار مطرح شده است؛

۱. فرقان، آیه ۳۰.

۲. نهج البلاغه، پیشین، نامه ۴۷.

۳. نساء، آیه ۸۰.

۴. همان، آیه ۵۹.

آنچه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که مراد، امامان معصوم علیهم السلام می باشند<sup>۱</sup> و ولایت آنها، شرط تحقق توحید است و مطابق حدیث شریف «ثقلین»<sup>۲</sup>، اطاعت از قرآن و عترت، موجب مصونیت انسان از گمراهی خواهد بود؛ چون ولایت، محور و رکن اساسی اسلام است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الدَّعَائِمَ الَّتِي بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيْهَا خَمْسٌ، الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَوَلَايَةُ النَّبِيِّ وَالْإِمَامَةِ بَعْدَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَهُمْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا»<sup>۳</sup> ارکانی که اسلام بر آن بنا نهاده شده، پنج چیز است: نماز، زکات، روزه، حج، ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعد از آن حضرت، ولایت ائمه معصومین علیهم السلام که تعداد آنها دوازده نفر می باشد. «شناخت ائمه» [و اطاعت آنها، از مهم ترین امور است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَنْ عَرَفَ حَقَّهُمْ فَقَدْ عَرَفَ حَقَّ اللَّهِ هُوَ لِإِئْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَقَدْ جَحَدَ حَقَّ اللَّهِ؛<sup>۴</sup> کسی که حق آنها را شناخت، حق خدا را شناخته است. اینها اهل بیت پیامبر هستند و هر کس حق آنها را انکار کرد، در واقع، حق خدا را انکار کرده است.»

## د- انجام فرایض الهی

یکی از حقوق خداوند، انجام فرایض الهی است که در قالب بایدها ارائه شده است. در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

### ۱. نماز

نماز، از مهم ترین امور عبادی است که در آموزه های دینی، سخت بدان اهمیت داده شده است. نماز، ستون دین،<sup>۵</sup> معراج مؤمن، بازدارنده از فحشا و منکرات<sup>۶</sup> است و انسان را به خدا نزدیک می کند.<sup>۷</sup> اهمیت نماز، به حدی است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۴.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دارالتقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۲: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ... مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا.»

۳. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص ۷۲۸.

۴. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶.

۵. طوسی، الأمالی، پیشین، ص ۵۲۹: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ.»

۶. عنكبوت، آیه ۴۵: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.»

۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعة المدرسين في الحوزة العلمية، ص ۶۲: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ.»

«أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ سَائِرِ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»<sup>۱</sup> نخستین چیزی که در روز قیامت از بنده سؤال می‌شود، نماز است؛ اگر قبول شد، سایر اعمال پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، سایر اعمال هم رد خواهد شد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «دین اسلام، بر پنج چیز بنا گذارده شده که یکی از آن‌ها، نماز است.»<sup>۲</sup> اگر بنده‌ای نماز را ترک کند، مرتکب گناه بزرگی شده که شاید گناهی بزرگ‌تر از آن نباشد؛ چون ترک عمدی نماز، مساوی با کفر به خدا است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»<sup>۳</sup>

## ۲. روزه

روزه، از واجباتی است که در آیات و روایات نسبت به آن تأکید شده است. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصْرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ لَيْسَتْ رَكَبَةٌ مِنْ النَّارِ؛<sup>۴</sup> اما حق روزه این است که بدانی روزه، حجابی است که خداوند بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو زده است تا تو را از آتش جهنم بیوشاند.»

## ۳. حج

حج، از حقوقی است که خداوند بر بندگان خویش قرار داده است. در حج، عزت ربوبیت و ذلت عبودیت به نمایش گذاشته شده و یکی از ارکان اسلام است. در صورت فراهم بودن شرایط، اگر مکلف آن را ترک کند، حکم کافر را دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ، كَافِرٌ... يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا؛<sup>۵</sup> ای علی! کسی که حج را ترک کند، با این که توانایی بر انجام آن را دارد، کافر محسوب می‌شود... ای علی! کسی

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۲۲.

۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸.

۳. ابن ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۴.

۴. الحرانی، تحف العقول، پیشین، ص ۴۵۲.

۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۸، ص ۲۱.

که حج را به تأخیر بیندازد تا این که از دنیا برود، خداوند او را در قیامت یهودی یا نصرانی برمی‌انگیزاند.»

#### ۴. جهاد

جهاد در راه خدا، از جمله بالاترین فرایض اسلام است. بیش از سیصد آیه در قرآن کریم، درباره جهاد و مسائل مربوط به آن آمده است. پیامبر ﷺ راجع به ترک جهاد و پیامدهای آن فرمود:

«فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ الْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ وَمَحَقًّا فِي دِينِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَغْنَى أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَمَرَازِرِ رِمَاحِهَا؛<sup>۱</sup> آن کس که جهاد را ترک کند، خدا بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر بر زندگی، و تاریکی بر دین او، سایه شوم می‌افکند. خداوند پیروان مرا به وسیله سُم ستورانی که به میدان جهاد پیش می‌روند و نیز به وسیله پیکان‌های نیزه‌ها، عزت می‌بخشد.»

#### ۵. زکات

زکات، یکی از حقوقی است که خداوند بر عهده بندگان قرار داده است. این تعبیر، بیش از سی بار در قرآن آمده است و یکی از عوامل مهم عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و محرومیت و تقویت بنیه مالی حکومت اسلامی بوده، بهترین وسیله برای قرب به خدا است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَنَعَ قِيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ هُوَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَلَا كَرَامَةً؛<sup>۲</sup> کسی که یک قیراط از زکات را نپردازد، نه مؤمن است و نه مسلمان، و ارزشی ندارد.»

سعدی گوید:

زکات مال به در کن که فضله رز را  
و باغبان زند بیشتر دهد انگور

۱. همان، ج ۱۱، ص ۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۰.

## ۶. خمس

یکی از فروع دین، خمس است که نقش بسیار مهمی در اداره حکومت اسلامی و استقلال شیعه دارد و ترک آن، موجب عقاب الهی خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «برای احدی جایز نیست که چیزی را از مال مخمس بخرد تا این که حق ما را پرداخت نماید.»<sup>۱</sup>

## ۵- اجرای حدود الهی

اگر چه اجرای حدود الهی نیز در شمار فرایض است، اما به جهت اهمیت، آن را جداگانه بحث می‌نماییم. این نوع حقوق الهی که جنبه کیفری دارد، علاوه بر این که باید اجرا شود، مخالفت آن نیز مجازات دارد. به منظور بهبود یافتن و امنیت اجتماع، نیازمند تشویق نیکوکاران و تنبیه متخلفان از قانون می‌باشیم. اسلام با برنامه‌های تربیتی و اخلاقی از یک سو، و اصلاح محیط سازنده از سوی دیگر، موجبات جرم و گناه را از بین می‌برد و از وقوع جنایات پیش‌گیری می‌کند و کسانی را که به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند، افزون بر مجازات اخروی، در دنیا با قوانین کیفری مجازات می‌نمایند. این نوع مجازات، به یکی از چهار شکل ذیل می‌باشد:

۱. حدود: در برابر اعمال خلاف عفت و اخلاق و تجاوز به مال و شرف مردم و سایر حقوق عمومی؛
۲. تعزیر: در برابر مجازات‌هایی که تعیین مقدار و خصوصیت آن‌ها، بستگی به اهمیت جرم دارد؛
۳. قصاص: در برابر صدمات و لطمات بدنی که بزهدکار بر کسی وارد می‌کند؛
۴. دیات: دیه یا خون‌بها که مجرمان در برابر جرایم خود باید بپردازند.<sup>۲</sup>

---

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران: مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۲۵۳.

## آثار رعایت حقوق الهی

رعایت «حقوق الله»، آثار و برکات فراوانی دارد و از طرفی چنانچه این حقوق ادا نگردد، پیامدهای ناگواری را به دنبال خواهد داشت که در مجموع، می‌توان آن‌ها را به دو بخش آثار دنیوی و اخروی تقسیم نمود.

### الف - آثار دنیوی

#### ۱. رستگاری

رعایت حقوق خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله موجب رستگاری است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»<sup>۱</sup> کسانی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را اطاعت کنند و از خدا بترسند و تقوا پیشه نمایند، آن‌ها رستگاران‌اند.

در این آیه، به چهار عامل رستگاری: اطاعت خدا، اطاعت پیامبر، تقوا و خشیت الهی اشاره شده است که سبب آمرزش گناهان و مایه رستگاری است. در مقابل، نادیده گرفتن حقوق الله، نوعی پرده‌داری و سقوط جامعه است. در مجموع، برای اصلاح جامعه و جلوگیری از گناه و تأمین سعادت انسان، باید حقوق خدا را رعایت نمود؛ در غیر این صورت، باید منتظر عذاب الهی بود و هیچ‌گاه نباید از مکافات عمل غافل شد.

هر بد که می‌کنی تو مپندار آن بدی      ایزد فرو گذارد و گردون رها کند  
قرض است فعل‌های بدت پیش روزگار      تا هر زمان که وقت ببیند ادا کند<sup>۲</sup>

#### ۲. آبادی شهرها و طول عمر

از مصادیق مهم رعایت حقوق الهی، رعایت تقوا و انجام دستوره‌های الهی همانند: صله رحم، اخلاق نیکو، احسان و رعایت حقوق همسایگان، می‌باشد که موجب آبادانی شهرها و طولانی شدن عمر می‌گردد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»<sup>۳</sup> اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم.

۱. نور، آیه ۵۲.

۲. رسولی محلاتی، سید هاشم، کفر گناهان، قم: انتشارات کتابخانه صدر، ج ۲، بخش ۶، ص ۷۶.

۳. اعراف، آیه ۹۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛<sup>۱</sup> نیکی و خوش‌اخلاقی، شهرها را آباد و موجب طولانی شدن عمر می‌گردد.» اما چنانچه دستورهای الهی نادیده گرفته شود، موجبات نابودی ملت‌ها و خرابی شهرها فراهم خواهد شد. قرآن درباره کسانی که نافرمانی خدا نموده و آیات الهی را منکر شدند، می‌فرماید: «كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ؛<sup>۲</sup> آن‌ها آیات پروردگارشان را تکذیب کردند و ما هم به دلیل گناهان‌شان آنان را هلاک نمودیم.» قوم ثمود به دلیل سرکشی و بی‌اعتنایی به هشدارهای پیامبرشان حضرت صالح علیه السلام، به هلاکت رسیدند: «فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا؛<sup>۳</sup> خداوند، آن‌ها را به جهت گناهان و نافرمانی که کرده بودند، در هم کوبیده و سرزمین‌شان را صاف و هموار نمود.»

این آیات، تنها از گذشته سخن نمی‌گوید؛ بلکه امروز هم اگر ملتی نافرمانی خدا کند، به همین سرنوشت گرفتار خواهد شد و کمترین آن، مسلط شدن اشرار و بدکاران بر انسان‌های مؤمن و نیکوکار خواهد بود. قرآن با بیان سرگذشت ملت‌های دیگر، ما را به عبرت‌پذیری دعوت می‌نماید.

مولوی می‌گوید:

عاقل آن باشد که عبرت گیرد از	مرگ یاران و بلای محترز <sup>۴</sup>
پس سپاس او را که ما را در جهان	کرد پیدا از پس پیشینیان
تا شنیدیم آن سیاست‌های حق	بر قرون ماضیه اندر سبق
عاقل از سر بنهد این مستی و باد	چون شنید انجام فرعونان و عاد
ورنه بنهد، دیگران از حال او	عبرتی گیرند و از اضلال او <sup>۵</sup>

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. انفال، آیه ۵۴.

۳. شمس، آیه ۱۴.

۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۶۰ش، «مُحْتَرِز»، به معنای پرهیزکننده است.

۵. رسولی محلاتی، کیفر گناهان، پیشین، ج ۱، بخش ۴، ص ۲۰۶.

### ۳. حیات فردی و اجتماعی

یکی از عرصه‌های رعایت حقوق الهی، اجرای احکام اسلامی است. اهمیت این امر، به حدی است که امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه: «وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۱</sup> فرموده: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ وَالْإِقَامَةِ الْحَدِّ لِلَّهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»<sup>۲</sup> منظور این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می‌کند؛ بلکه مردانی را بر می‌انگیزد که اصول عدالت را احیا کنند و زمین با احیای عدالت، زنده می‌شود و بدانید که اقامه عدل در زمین، از چهل روز باران نافع‌تر است.»

قرآن نیز اجرای احکام الهی را سبب حیات اجتماعی می‌داند: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد. چون وقتی شخص بداند قتل، قصاص را در پی دارد، از این جنایت دست بر می‌دارد و همین امر، موجب حیات خود و دیگران می‌گردد.

### ۴. محبوبیت مردمی

«کسانی که به خدا ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند و عمل صالح انجام دهند، خداوند محبت آن‌ها را در دل‌ها قرار می‌دهد؛ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»<sup>۴</sup> در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است هنگامی که خداوند کسی را دوست بدارد، به جبرئیل می‌گوید: من فلانی را دوست دارم؛ تو هم او را دوست بدار. جبرئیل هم او را دوست می‌دارد و در آسمان‌ها ندا می‌دهد که خدا او را دوست می‌دارد؛ شما هم او را دوست بدارید. پذیرش این امر، در زمین هم انعکاس خواهد یافت. همچنین، هنگامی که خدا کسی را دشمن بدارد، به جبرئیل می‌گوید: من از او متنفرم؛ او را دشمن بدار. جبرئیل هم او را دشمن می‌دارد و در میان اهل آسمان‌ها ندا

۱. روم، آیه ۱۹.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۱۸، ص ۳۰۸.

۳. بقره، آیه ۱۷۹.

۴. مریم، آیه ۹۶.

می‌دهد که خدا از او متنفر است. پس، او را دشمن بدارید. بعد، این امر در زمین و بین بندگان نیز انعکاس پیدا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

در تاریخ، انسان‌های فراوانی آمده‌اند که به جهت اطاعت از خدا، به مقام قرب الهی رسیده‌اند و خداوند محبت آن‌ها را در دل مردم قرارداد. در عصر ما، نمونه این محبوبیت را در امام راحل علیه‌السلام مشاهده کردیم که چگونه همه دوست‌دار او گردیدند. همه این محبوبیت‌ها، به جهت اطاعت الهی و ترک معصیت توسط ایشان بود.

همسر محترم امام علیه‌السلام نقل کرده است: «من شصت سال با امام زندگی کردم، ندیدم ایشان یک معصیت بکنند. همیشه به ما توصیه می‌کردند که سعی کنید، معصیت نکنید.» ایشان، نه تنها مقید به انجام واجبات و ترک محرمات بودند، بلکه مکروهات را نیز ترک می‌کردند و مقید به انجام مستحبات نیز بودند. هیچ‌گاه نماز شب ایشان ترک نمی‌شد. به نماز جماعت اهتمام می‌ورزیدند و هیچ چیز را بر آن مقدم نمی‌داشتند. روزی که سران کشورهای اسلامی برای قضیه صلح ایران و عراق خدمت ایشان آمده بودند، وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد و امام بلند شدند و فرمودند: من می‌خواهم نماز بخوانم.»<sup>۲</sup>

## ب - آثار اخروی

### ۱. هم‌نشینی با ابرار

رعایت حقوق الهی، نه تنها دارای آثار دنیوی است که آثار اخروی را نیز به دنبال دارد؛ از جمله آن‌ها، هم‌نشینی با ابرار و افزایش نعمت‌ها است: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»<sup>۳</sup> کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، در روز قیامت هم‌نشین کسانی خواهند بود که

۱. رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۴۵.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، راهی به سوی نور، قم: معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی علیه‌السلام.

۳. چاپ مرتضوی، خرداد ۱۳۹۲ش، ص ۲۱ و ۲۵.

۴. نساء، آیه ۶۹.

خدا نعمت خود را بر آن‌ها تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آن‌ها رفیق‌های خوبی هستند.»

یکی از صحابه پیامبر ﷺ به نام «ثوبان» که به حضرت محبت فراوانی داشت، روزی با حال پریشان خدمت حضرت رسید، پیامبر ﷺ از سبب پریشانی او سؤال نمود. او در پاسخ گفت: زمانی که از شما دورم، ناراحت می‌شوم. امروز در این فکر بودم که فردای قیامت اگر اهل بهشت باشم، در مقام و جایگاه شما نخواهم بود و اگر اهل بهشت نباشم که تکلیفم روشن است. بنابراین، در هر دو حال، از حضور شما محروم خواهم بود. با این حال، چرا افسرده نباشم؟ در این هنگام بود که آیه شریفه نازل شد و به این گونه افراد بشارت داد که اطاعت‌کنندگان خدا، در بهشت هم‌نشین پیامبران و برگزیدگان الهی خواهند بود.<sup>۱</sup>

## ۲. بهشت جاودان

بهشت با تمام نعمت‌هایش، برای کسانی است که به وظایف خود عمل نمایند: «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا»<sup>۲</sup> هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند، او را در باغ‌هایی وارد می‌سازد که نهرها از زیر درختانش جاری است و جاودانه در آن می‌مانند.»

معاذ بن جبل می‌گوید: «در غزوه تبوک خدمت پیامبر ﷺ بودم. گرمای سخت همه را ناراحت کرده بود و هر کس به گوشه‌ای پناه می‌برد. ناگهان دیدم پیامبر ﷺ از همه به من نزدیک‌تر است. خدمت حضرت رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! عملی به من بیاموز که مرا وارد بهشت کند و از آتش دوزخ دور سازد. حضرت فرمود: سؤال بزرگی کردی؛ اما پاسخ آن برای کسی که خدا برای او آسان کرده، مشکل نیست. بعد فرمود: خداوند را پرستش کن و چیزی را شریک او قرار نده. نمازهای واجب را انجام بده و زکات واجب را ادا کن و ماه رمضان را روزه بگیر.»<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۳، ص ۲۰.

۲. نساء، آیه ۱۳.

۳. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۵۶.

اما به کسی که از روی دشمنی و سرکشی، حکم خدا را زیر پا می‌گذارد، وعده عذاب و جهنم داده شده است: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ»<sup>۱</sup> کسانی که نافرمانی خدا و پیامبر کنند و از مرزهای او تجاوز نمایند، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهند ماند و برای او، مجازات توهین‌آمیزی است.»

### ۳. جلب رضایت خدا

آنچه در زندگی انسان اهمیت دارد، جلب رضایت خداوند است و این امر، در سایه اطاعت و بندگی خدا و رعایت حقوق او امکان‌پذیر است: «... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ»<sup>۲</sup> هم خداوند از آن‌ها خشنود است و هم آنان از خدا خشنودند.»

به‌راستی، چه لذت و نعمتی از این بالاتر که اعمال انسان مورد قبول و رضای معبود و محبوبش واقع شده و به لقای او واصل گردد. آری، بهشتِ جسم انسان، باغ‌های جاودان آن جهان است؛ ولی بهشتِ جان او، رضا و لقای محبوب است.<sup>۳</sup>

دارند هر کس از تو مرادی و مطلبی  
مقصود ما ز دنیا و عقبا لقای توست

---

۱. نساء، آیه ۱۴.

۲. بینه، آیه ۸.

۳. ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۲۰۹.